

دیدار هفتم بلینکن در منطقه و گفتگوها در مورد غزه

(ترجمه)

یقیناً ما از این وضعیتی که به امت ما رسیده احساس درد می‌کنیم؛ اگرچه اطمینان داریم که این امت بهترین امت بوده و نابود نخواهد شد؛ چگونه احساس درد نکنیم که وزیر امریکا به یهودیت خود افتخار و رهبری ما امت را به دوش دارد؛ در حالی که ما آنان را من حیث متجاوز می‌شناسیم! حکام ما که رهبری مردم و امت را به عهده دارند، انسان‌های سبک مغزی هستند که حتی از اظهار علاقه‌شان به اسلام احساس شرمندگی می‌کنند تا مبادا متهم به تروریزم، تدروی و یهود ستیزی شوند! و طوری نشان می‌دهند که هم‌رکاب با نظام جهانی که امریکا آن را رهبری می‌کند هستند!

امریکا طوری برای این حکام آموخته که به جز این کلمات را به زبان نیاورند: «ما از جامعه بین‌المللی و شورای امنیت بین‌المللی می‌خواهیم که در این مورد وارد عمل شود.»، «از امریکا خواهان فشار ورد نمودن هستیم.» آنان با امریکا مشوره می‌کنند و از آنچه امریکا آنان را منع می‌کند، خود را باز می‌دارند و هرگاه امریکا از آنان تنازل و عقب‌نشینی را می‌خواهد تنازل می‌کنند؛ هرگاه از آنان فشار بر نیروهای مسلح در غزه می‌خواهد، به دستور وی لیبیک می‌گویند. لذا آنان منافع رژیم یهود را رعایت می‌نمایند و طبق رضایت آن عمل می‌کنند. آنان متعهد به امنیت و حمایت و حفظ رژیم یهود هستند تا حاکمیت صلیبی جدید غرب را به صورت دائمی باقی نگهدارند که رهبری یهود نیز این مسائل را درک می‌کند و می‌گویند که ما از ارزش‌های غربی دفاع می‌کنیم.

رهبری یهود با امریکا بسان یک فرزند ناخلف رفتار می‌کند و روز به روز به قلدوری و حماقت‌شان افزوده شده و با حمله بر رفح و قتل بالاتر از ده‌ها هزار نفر که در غزه کشته شدند، تهدید می‌کنند و باز هم از ریختن خون مسلمانان سیر نشدند.

بلینکن، وزیر خارجه امریکا از زمان تجاوز یهود بالای غزه در روزهای 29 اپریل و 1 می 2024م با این سفر خود اقدام نمود تا از سعودی و بن سلمان، ولیعهد سعودی دیدار نماید. او در همایش اقتصاد جهانی که در ریاض برگزار شده بود گفت: «امریکا و سعودی در جریان همین ماه‌های نزدیک گذشته به شدت کار را جهت توافق عادسازی بین سعودی و اسرائیل اقدام نموده و این توافقی است که اجازه‌اشنگتن را برای ریاض در خصوص توافقات در مورد التزامات به دفاعیات و امنیت دوجانبه در بر دارد. این علاوه بر همکاری‌های هسته‌ای بین این دو کشور است و امور تشکیل دهنده این توافق امریکائی-سعودی و تکمیل آن احتمالاً بسیار نزدیک است.» وی افزود: «برای پیش‌رفت این عادی‌سازی دو چیز لازم است: آرامی در غزه و انتخاب یک مسیر قابل اعتماد به سوی یک دولت فلسطینی.» این موقف‌گیری به هدف برانگیختن رژیم یهود به اطاعت از خواسته‌های امریکا می‌باشد و معنی آن اینست که او می‌خواهد موافقت رژیم یهود را برای توافق گیروگانان‌ها با حماس به دست آورد و به نظر می‌رسد که این مرحله نزدیک است.

سایت "اکسیوس" به تاریخ 3 می 2024م از مسئولین امریکائی نقل قول نموده و گفته است: «رئیس جمهور بایدن شخصاً در نشست توافق رهائی گیروگانان و توقف جنگ در غزه شرکت نموده، به سبب این که عمده‌ترین طرف‌دارانش قبل از انتخابات نسبت به آن انتقادات تندی نموده اند.» به همین دلیل وزیرخارجه‌اش را فرستاد که "برنز" مسئول مخابرات وی نیز آن را در این سفر دنبال نمود تا برای گفتگوهای جاری در قاهره هم‌زمان با آن بیبوند و با هیأتی از جانب حماس برای افزایش فشارها برای دست یافتن به این عقد و یا توافق‌نامه صحبت نماید.

هیأت قطر نیز جهت پیوستن به این گفتگوها رسید و طوری به نظر می‌رسد که وساطت و پادرمیانی کنونی قطر در این زمینه نیز لازمی است. این مسأله بعد از آن اتفاق افتاد که عبدالرحمن آل ثانی وزیر خارجه قطر تهدید به توقف جنگ کرد. او محکوم‌کنان گفت: «با کشیدگی‌های سیاسی از جانب بعضی سیاسیون به هدف کمپاین‌های انتخاباتی از طریق توهین کردن نقش قطر موجود است.» وی اشاره به درخواست یکی از نماینده‌های دموکرات امریکائی مبنی بر رابطه کشورش با قطر نمود؛ کسی که با انتقادات نتنیاهو هم‌صدا شده و گفته است که قطر حماس را حمایت می‌کند و بالای آن به سرحدی فشار وارد نمی‌کند که برای رهائی گیروگانان کفایت کند. نتنیاهو انتقاد نموده گفته است: «نقش میانجی‌گیری محدود است، نمی‌تواند چیزی را پیشنهاد کند که اطراف این قضیه از آن خود داری نمایند.» پس امریکا است که از قطر خواسته تا رهبری حماس را در آغوش بگیرد و برای آن دفتر سیاسی در سال 2012م در دوحه باز نماید تا در صورت لزوم از این دفتر بالای حماس فشار وارد نماید. چنانچه حمد وزیر خارجه سابق قطر و تمیم امیر فعلی آن این مسأله را افشاء نموده است؛ مثل اینکه از قطر خواسته بود که نقشی را با حرکت طالبان بازی نماید و در سال 2013م دفتری را در قطر برای شان باز نماید و این دفتر را برای توافق با حرکت طالبان و سپس بیرون شدن از افغانستان استعمال کرد.

بلینکن از اردن دیدار نموده و با پادشاه آن که غلام غرب و یهود است، ملاقات نمود؛ چنانچه اردن یک میدان و یک قرارگاه برای حمل و نقل کمک‌ها به غزه می‌پندارد و گویا این سرزمین خط دفاعی رژیم یهود است که این موضوع در مسأله دفع موشک‌های ایرانی واضح می‌شود. قرارگاه اخیر رژیم یهود بود و با رهبری آن جمع شد تا بگوید که سعودی عادی‌سازی را قبول می‌کند و قیمت آن رسیدن به توافق در مورد غزه و عدم حمله بر رفح است و از ایشان خواسته و گفت: «لازم است پلان واضحی قبل از ورود به رفح پیش کش گردد.»

چنانچه امریکا ترس دارد که داخل شدن رژیم یهود در رفح مبادا منجر به ارتکاب کشتارهای جدید و واکنش‌های قوی داخلی مانند تظاهرات محصلان و انتقادات تند حامیان اداره آن و باعث انتقادات جهانی شود؛ چنانچه افکار عمومی جهانی امریکا را به شراکت در این کشتارها متهم می‌کند. در جریان نشست آن با "هرتزوغ" رئیس رژیم یهود و با حکومت حربی آن گفت: «تا اکنون حماس مسئول عدم دستیابی به توافق بوده و حالا بر آن لازم است که پیشنهاد بسیار خوب طرح شده را برای آتش‌بس قبول کند.» به این شکل می‌خواهد رژیم یهود را راضی نماید تا این توافق را برای آتش‌بس جنگ غزه بپذیرد.

دلیل آن اینست که انتخابات ریاست جمهوری نزدیک است؛ مثلاً طرف دموکرات‌ها بسیاری از طرفداران را از دست داده اند و او برای بدست آوردن آرای یهودیان و طرفدارانش نیاز دارد مخصوصاً طرف جمهوری خواهان که رقیب آنست از این برگه استفاده می‌کند؛ به گونه‌ای که بسیاری از امریکائی‌ها رژیم یهود را به دلیل ارزش‌های دینی آن تائید می‌نمایند. به دلیل این که رژیم یهود پایگاه مهم شان در خاورمیانه بوده و با اسلام و مسلمانان دشمنی دارد، با درک این که کشتار ده‌ها هزار انسان مسلمان اصلاً برای امریکا مهم نبوده، مگر این که در قضیه انتخابات و منافع منطقه‌ای آن تأثیر داشته باشد.

امریکا میلیون‌ها انسان را در عراق و افغانستان را به قتل رسانده و زخمی نمود و اجازه داد تا مثل این مصیبت در سوریه به وقوع پیوندد. چنانچه دست نظام خون‌آشام سوریه، ایران و روسیه را باز گذاشت و فرصت داد تا برای حمایت مزدوروش، بشاراسد جلو فعالیت‌های قهرمانانه مسلمانان سوریه را بگیرند. نزد بعضی سیاسیون آن بعضی تغییر موقف‌ها ایجاد شد، مثلاً بعضی شان از

وظایف شان کناره‌گیری کردند و اکثر جوانان امریکائی احساسات ضد رژیم یهود دارند که جنایات آن را تحمل نکردند و این چیزی است که رهبری رژیم یهود را نگران ساخته؛ زیرا این اولین باری است که در امریکا چنین احساساتی ایجاد شده است.

مصر نقش مؤثری در این خصوص دارد؛ زیرا مصر در مجاورت با غزه قرار داشته و بر شاه‌رگ صادرات و واردات موادغذائی شان حاکم بوده و اهل غزه را به اسارت و دربند گرفته تا رژیم یهود را از خود راضی نماید؛ چنانچه با وی توافق‌نامه صلح را مطابق به پلان امریکا منعقد نمود.

رژیم یهود با تمام حرص و علاقه تلاش خود را بر استمرار این توافق‌نامه نموده تا مصر راه به انزوا بکشد و تهدیدات احتمالی آن را از بین ببرد. لذا ممکن است که مصر نقش مؤثری بالای حماس و رژیم یهود بازی نماید. بناءً مصر به عنوان یک میانجی‌گر نقش فعال را با مشارکت قطر در تحت نظر امریکا در بین این دو طرف بازی می‌کند و اصلاً باکی ندارد که اهل غزه مسلمان بوده و نصرت شان بالای وی لازم است و هیچ‌گونه پروایی ندارد که یهود غاصب دشمنان آن بوده و اعلان جنگ بر ضد آن واجب است.

به این ترتیب، گفتگوهای اخیر در بین این طرف‌ها به تاریخ 4 می 2024م به هدف دست‌یافتن به توافق در قاهره آغاز گردید، بعد از این که رئیس‌جمهور امریکا در این مسأله پا در میان گذاشت و مستقیماً وزیر خارجه خود را برای زمینه‌سازی این توافق ارسال نموده و به تعقیب آن رئیس‌مخابراتش را نیز برای نظارت آن ارسال نمود و تمام تمرکز خود را برای تکمیل این توافق نموده است؛ زیرا تداوم وضع غزه بر این حالت و تهدیدات یهود مبنی بر حمله بر رفح بر ریاست جمهوری آن تأثیر گذاشته و طوری به نظر می‌رسد که این مرتبه این توافق به پایان خواهد رسید. با تأسف که حماس تنازل نموده و راه‌حل ایجاد دو دولت را قبول نموده است و این تنازل بعد از این همه قربانی‌ها چی یک قیامت بزرگی است؛ اما این حالت ما را ناامید نکرده؛ بلکه اعتماد و باورمندی ما را قوی‌تر ساخته و ثابت می‌سازد که جز اقامه خلافت اسلامی بر منهج نبوت راه‌حل دیگری برای رفع این مشکلات وجود ندارد.

برگرفته از شماره 494 جریده الرأیه

نویسنده: استاد اسعد منصور

شوال 1445ه.ق.

8 می 2024م.

مترجم: مصطفی اسلام